

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تحفه ی دیگر استعمار؛ افزایش زنان و کودکان معتاد به مواد مخدر!



(ترجمه)

گزارش واشنگتن پست به تاریخ ۱۹ جون ۲۰۱۷م نشان می دهد که در سال های اخیر، تعداد زنان و اطفال معتاد به مواد مخدر در حال افزایش است. در سال ۲۰۱۰م کارشناسان سازمان ملل طبق یک بر آورد، تخمین زدند که حدود یک میلیون تن در افغانستان معتاد به مواد مخدر بوده که اکثریت آن ها از تریاک به عنوان نوعی داروی درمانی در برابر سختی های زنده گی استفاده می کنند. اما همین سازمان در سال ۲۰۱۵م با نشر یک اعلامیه افزود که شمار معتادان مواد مخدر در افغانستان به ۳ میلیون افزایش یافته که اکثریت آن ها از هرویین استفاده می کنند. شایسته حکیم متخصص در مرکز ملی برای درمان زنان و کودکان معتاد به مواد مخدر در کابل، در این رابطه چنین می گوید: «این یک سونامی بزرگ است که اگر در چند سال آینده کنترل نشود، شاید به یک فاجعه مبدل شود.» (منبع: واشنگتن پست)

افغانستان ۹۰ درصد مواد مخدر جهان را تأمین می نماید و در این عرصه به بزرگ ترین تولید کننده و متأسفانه استعمال کننده آن نیز مبدل شده است. مقامات وزارت صحت افغانستان هجوم مواد مخدر در کشور را به عنوان یک سونامی توصیف می کنند؛ چون تعداد معتادان مواد مخدر تنها در دو سال گذشته به ۳ میلیون تن افزایش یافته است. این پدیده ده ها هزار زن و کودک را از خود متأثر ساخته است که به همین سبب بعضی از زنان به دزدی و برخی هم به روسپی گری روی می آورند. بسیاری از خانواده ها با دادن مواد مخدر به اطفال خود، از آن ها بخاطر جمع کردن پول و خیرات در سرک ها استفاده کرده و در مقابل پول ناچیز برای تأمین زنده گی شان، آن ها را به ازدواج دیگران در آورده و یا هم به خاطر همین پدیده مهلک، آن ها را روانه دارالایتام می کنند.

این پدیده ی خانمان سوز سبب شده که تعدادی از زنان جوان با یأس و ناامیدی تمام، به معتادان بازار پل سوخته ببینند؛ زیرا این جا مکانی است که آن ها با پول کم خویش می توانند به مواد مورد ضرورت خود دست پیدا کنند. از طرف دیگر، این یگانه مکانی است که این خانواده ها را در دامن خود جای داده و در این جا می توانند، حتی برای لحظه هایی، غم و رنج زنده گی خود را فراموش کرده و به دور از چشم همگان باشند.

عمده ترین عامل گسترش مواد مخدر در جامعه افغانستان، نبود مفاهیم اسلامی و عدم تطبیق قوانین شرعی در این جامعه و یا هم هجوم استعمار، جنگ و ویرانه گی بوده که خانواده ها، مادران، کودکان و حتی نسل های بعدی را این پدیده مهلک آغشته خود نموده و می نماید. گزارش ها حاکی از آن است که در دو سال اخیر، اعتیاد کودکان به مواد مخدر حدود ۶۰ درصد افزایش یافته است که این نباید ما را متعجب بسازد؛ زیرا در این کشور مواد مخدر به مراتب ارزان تر از مواد غذایی است و به بسیار سهولت دسترسی به آن امکان پذیر می باشد. چنان چه یک گرام هیرویین در افغانستان را می توان به قیمت یک پوند به دست آورد.

بسیاری از زنان برای اطفال خود به خاطر احساس نکردن گرسنگی به آن ها مواد مخدر می خوراندند، چنان چه خانواده های معتاد خود اظهار می کنند که ما برای فرزندان خود مواد مخدر می خورانیم تا ایشان گرسنگی را احساس نکرده و از خود بی خود شوند؛ زیرا تهیه غذا برای همه اعضای خانواده کاری است بس دشوار. به خاطر اعتیاد، بسیاری از کودکان به تن فروشی رو می آورند که در برابر این عمل شان نیز حتی پول کافی به دست شان قرار نمی گیرند تا مواد غذایی برای خود و فامیل اش تهیه کنند.

اعتیاد پدیده ای است که از بیرون وارد افغانستان شده؛ زیرا بسیاری از مردم به دلایل گوناگون؛ از جمله: جنگ، فقر و ناامنی به ممالک دیگر مهاجر می شوند، به خیال این که با روی آوردن به اعتیاد بهتر می توانند کار کنند، چنین کسان زمانی که به کشور خود باز می گردند، این پدیده مهلک را نیز با خود حمل نموده و خانواده های شان را نیز معتاد به این عمل می نمایند. پس بزرگ ترین عامل اعتیاد در این کشور می تواند جنگی باشد که به رهبری قدرت های بزرگ استعماری به راه انداخته شده است.

گزارش ها نشان می دهد که بسیاری از والدین برای فراموش کردن و آزاد ساختن غم و رنجی که به عنوان یادگاری از اثر جنگ جاری و بمباردمان نیروهای امریکا و ناتو برای شان مانده و اعضای خانواده ی خود را از دست داده اند، به اعتیاد روی می آورند. بناً این حملات بسیاری از کودکان را یتیم و تعداد زیادی از زنان را بیوه کرده و ده ها مشکل روحی و روانی را نیز از خود به جا گذاشته است. جنگ و ترس مهم ترین عناصری اند که روان انسان را از خود متأثر می کند. چنان چه گزارش های اخیر سازمان صحتی جهان نشان می دهد که در سراسر جهان بیش از ۳ میلیون انسان دچار افسرده گی اند. با مقایسه سال ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۵م، آمار این پدیده ی مهلک ۱۸ درصد افزایش داشته است؛ در حالی که اطلاعات دقیق از افسرده گی افراد و اختلال روانی در افغانستان در دسترس نیست. باز هم تخمین زده می شود که یک میلیون افغان از اختلال روانی رنج می برند و بیش از ۱,۲ میلیون تن در معرض اضطراب روانی قرار دارند.

بنابراین مردم استفاده مواد مخدر را بهترین شیوه برای فراموش کردن غم و رنج زنده گی خود می دانند. دولت افغانستان در این راستا هیچ گونه اقدام عملی نداشته و صرف در صدد یاری رساندن به بادران خود در امر مبارزه با تروریسم که بزرگ ترین بهانه برای حضورشان در سرزمین های اسلامی بوده، می باشد. دولت افغانستان حتی و وضعیت اقتصادی جامعه را مدنظر نمی گیرد، چه رسد به این که متوجه اوضاع روحی و روانی مردم خود باشد.

اعتیاد به مواد مخدر واقعیت غم انگیزی است که زنان و اطفال امت مسلمه با آن روبرو شده و در دام آن می افتند. با نگاه عمیق در می یابیم که استعمارگران در قرن ۲۱ هر لحظه در پی نابودی امت مسلمه بوده و در این میان متأسفانه هیچ رهبری برای دفاع از این امت مظلوم وجود ندارد. این جاست که استعمارگران با استفاده از این خلاء، فجایع و تخریبات را در سرزمین های اسلامی به وجود آورده و در نتیجه امت گرفتار اعتیاد، افسرده گی، تکلیف روانی و غیره مشکلات شده که ما شاهد برهم خورده گی زنده گی این امت نیز هستیم. به خاطر این بدبختی ها امت از زنده گی خسته شده و معنی اصلی زنده گی را فراموش کرده اند که امروزه از زنده گی تعبیر دیگری دارند. در حالی که الله سبحانه و تعالی از زنده گی تعریف خاص برای بشریت دارد.

ما در برابر نسل آینده، خواهران و مادران مان مسوول بوده و باید این مسوولیت را جدی گرفته و در برابر کفاری که همواره زنان و مادران امت را می خواهند از بین ببرند و زنده گی شان را به تباهی بکشانند، نباید خاموش بنشینیم. پس بر ما لازم است تا تمام نیرو و قدرت مان را در راستای بازگشت دوباره خلافت به منهج رسول الله صلی الله علیه وسلم به خرج دهیم، زیرا این یگانه راهی است که ما را از سرگردانی نجات داده و به همه بدبختی ها نقطه پایان می گذارد. الله سبحانه و تعالی ما را در برابر همه زنان و کودکان مسلمانی که محتاج یک لقمه نان هستند و در وضعیت بسیار بد به سر می برند، مورد مواخذه قرار می دهد. بنابر این بر ما لازم است تا در راستای روی کار آوردن یک رهبر عادل و متقی از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نکنیم؛ زیرا تنها چنین کسی می تواند حامی و محافظ امت باشد.

(وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ)

[عصر: ۱-۳]

ترجمه: سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل] که واقعاً انسان در زیان است؛ مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و هم دیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند.

نویسنده: امانه عابد

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۱۱ شوال ۱۴۳۸ هـ.ق

۴ جولای ۲۰۱۷ م